

تعاون، سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹

بررسی میزان رضایت اعضا از عملکرد اقتصادی و اجتماعی تعاونیهای روستایی مطالعه موردی تعاونیهای روستایی شهرستان مشهد

محمود ثابت دیزاوندی^۱، دکتر حمید انصاری^۲، دکتر مصطفی ازکیا^۳

تاریخ دریافت: ۸۸/۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۸۹/۸/۲۳

چکیده

پژوهش حاضر در سال ۱۳۸۷ با هدف بررسی میزان رضایت اعضای شرکتهای تعاونی روستایی از عملکرد اقتصادی و اجتماعی تعاونیهای روستایی در سطح شهرستان مشهد صورت گرفته است. نوع تحقیق کاربردی و روش آن توصیفی پیمایشی بوده است. جامعه آماری این پژوهش تمام مدیران و تعدادی از اعضای شرکتهای تعاونی روستایی فعال در سطح شهرستان مشهد را در بر می گیرد که به ترتیب به شیوه تمام شماری مدیران و نمونه گیری طبقه‌ای اعضای تعاونیهای روستایی انجام شده است. ابزار پژوهش دو پرسشنامه مجزا بوده که روایی آنها از طریق روایی منطقی به دو شکل ظاهری و محتوایی و مشورت با استادان و صاحب نظران مربوط و پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ تأیید شده است.

۱. کارشناس ارشد توسعه روستایی و مدرس دانشگاه پیام نور مشهد e-mail: msd_sabet@yahoo.com

۲. دانشیار گروه برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی دانشگاه تهران e-mail:hansari@ut.ac.ir

۳. استاد و مدیر گروه تخصصی توسعه روستایی دانشگاه تهران e-mail: mazkia@azkia.ir

نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که بین ویژگی‌های فردی مدیران نظیر سن، میزان تحصیلات، سابقه مدیریت و میزان رضایت اعضا از عملکرد تعاونی‌های روستایی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود داشته و همچنین شیوه‌های تصمیم‌گیری مدیران در رضایت اعضا تأثیر مثبت و مستقیمی گذاشته است. از طرف دیگر با بهبود شاخصهای اقتصادی و اجتماعی در مناطق روستایی، میزان رضایت اعضا از عملکرد تعاونی‌های روستایی به نحو چشمگیری افزایش یافته است. یافته‌های تحقیق همچنین نشان می‌دهد که در زمینه شاخصهای اقتصادی بیشترین رضایت اعضا از خدمات مالی و رفاهی تعاونی‌های روستایی و در زمینه شاخصهای اجتماعی نیز بیشترین رضایت از تأثیر تعاونیها بر افزایش شاخصهای مشارکتی بوده است.

کلیدواژه‌ها:

تعاونی روستایی، رضایت مندی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، شهرستان مشهد

مقدمه

بی‌گمان هیچ کشوری به پیشرفت و ترقی نخواهد رسید مگر اینکه بتواند همگام با بخش شهری، در بخش روستایی خود آنچنان تحولی ایجاد کند که روستاییان نیز بتوانند از حداکثر توان و استعداد خود برای کسب و کاربرد دانش در پیشبرد اهداف عالی کشورشان بهره‌جویند. یکی از چالشهای اساسی بر سر راه دستیابی به توسعه روستایی، بهبود شرایط زندگی به ویژه برای روستاییان فقیر است و از راه‌های رسیدن به این هدف، ایجاد اصلاحات در سیاستهای موجود است. از طرف دیگر، بخش قابل توجهی از جمعیت کشورها در مناطق روستایی سکونت دارند و شغل اصلی آنان نیز کشاورزی است؛ بنابراین، دستیابی به توسعه روستایی بدون توجه به بخش کشاورزی و بهبود وضعیت این بخش ممکن نخواهد بود. همچنین مسائل بسیاری چون امنیت غذایی و رسیدن به خودکفایی در تولیدات کشاورزی، جلوگیری از تخریب و نابودی منابع خاک، آب و غیره توجه جدی به بخش کشاورزی را ضروری می‌سازد.

در ایران، بعد از اصلاحات ارضی، شاهد پیدایش انواع نظامهای بهره برداری همانند تعاونیها در بخش کشاورزی بوده‌ایم. این نظامها را در عمل می‌توان ابزارهای مؤثر برای توسعه روستایی دانست و باید آنها را در حکم بخشی ضروری از سیاستهای توسعه روستایی و مرتبط با برنامه های ملی در نظر گرفت. تعاونیهای روستایی به طور مستقیم در کاهش فقر از طریق پیشرفت اقتصادی و اجتماعی اعضا و به طور غیرمستقیم، از طریق تحریک اقتصادی و توسعه پایه های اجتماعی جوامعی که در آن به فعالیت می‌پردازند، تأثیرگذار بوده‌اند. شرکتهای تعاونی روستایی از سازمان و مدیریت نوین و نسبتاً علمی و تخصصی برخوردارند. در قالب چنین سازمانی است که انرژیها و نیروهای پراکنده روستایی از وحدت و انسجام جمعی‌عام برخوردار می‌شوند و فرصتی مناسب پدید می‌آید تا با حفظ هویتها و انگیزه های فردی و خانوادگی خود با یکدیگر به مشارکت، همکاری و همیاری متقابل بپردازند. تقویت تعاونیها در حقیقت تضمین کننده یک اقتصاد ملی سالم در کشورهاست (کشوری، ۱۳۸۰، ۸). با عنایت به این مقدمه، لزوم توجه بیش از پیش به تعاونیهای روستایی در کشورهای در حال توسعه به عنوان پلی میان آحاد جامعه روستایی و دولتها ضرورت می‌یابد. از سوی دیگر بررسی عملکرد گذشته و میزان رضایت اعضا از تعاونیهای روستایی موجب خواهد شد دیدی روشن از نقاط قوت و ضعف تعاونیها پیش روی برنامه ریزان و مدیران قرار گیرد. بدین ترتیب این پژوهش جهت بررسی میزان رضایت اعضا از عملکرد اقتصادی و اجتماعی تعاونیهای روستایی در سطح شهرستان مشهد صورت گرفته است.

مبانی نظری

ادبیات توسعه در جهان از بعد جنگ جهانی دوم مطرح شد و تکامل یافت. در این راستا چگونگی بهبود شرایط کشورهای عقب مانده (یا جهان سوم) تا شرایط مناسب همچون کشورهای پیشرفته و توسعه یافته مد نظر قرار گرفت. طبق تعریف، توسعه کوششی است برای ایجاد تعادلی تحقق نیافته یا راه حلی در جهت رفع فشارها و مشکلاتی که پیوسته بین بخشهای مختلف زندگی اجتماعی و انسانی وجود دارد. برای مثال حتی در کشورهای پیشرفته نیز

پیشرفت فکری و اخلاقی انسان با پیشرفتهای فنی (و فناورانه) همسانی ندارد و یا اینکه فرهنگ عامه با فنون و وسایل ارتباط جمعی هماهنگی ندارد. در این باره از کیا در نتیجه گیری خود از بحث توسعه، توسعه را به معنای کاهش فقر، بیکاری، نابرابری، صنعتی شدن بیشتر، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی جاری تعریف می کند (از کیا، ۱۳۸۱).

توسعه اقتصادی

باید بین دو مفهوم «رشد اقتصادی» و «توسعه اقتصادی» تمایز قائل شد. رشد اقتصادی مفهومی کمی است در حالی که توسعه اقتصادی مفهومی کیفی می باشد. «رشد اقتصادی» عبارت است از: افزایش تولید (کشور) در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال مورد نظر به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می شود که باید تغییر قیمتها (ناشی از تورم) و استهلاک تجهیزات و کالاهای سرمایه ای از آن کسر شود (سلیمی فر، ۱۳۸۲، ۱۳۲).

«توسعه اقتصادی» عبارت است از: رشد همراه با افزایش ظرفیتهای تولیدی اعم از ظرفیتهای فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرشها تغییر خواهد کرد، توان بهره برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش خواهد یافت و هر روز نوآوری جدیدی بروز خواهد کرد. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد و مرز و سقف مشخصی ندارد بلکه به دلیل وابستگی آن به انسان، پدیده ای کیفی است (برخلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی است) که هیچ محدودیتی ندارد (همان منبع، ۱۲۱).

توسعه روستایی

توسعه روستایی مفهومی جامع و چندبعدی است که در برگیرنده رشد کشاورزی و فعالیتهای وابسته به آن (صنایع دستی و صنایع روستایی)، زیربنای اقتصادی - اجتماعی، خدمات اجتماعی و تسهیلات مربوط و مهمتر از همه توسعه منابع انسانی در مناطق روستایی می باشد. البته توسعه روستایی صرفاً به معنای توسعه کشاورزی نیست و همچنین بخشی از رفاه اجتماعی نیست که با تأمین مالی مناطق روستایی و رفع نیازهای اولیه و اساسی انسان مرتفع گردد، بلکه طیف وسیعی از فعالیتهای گوناگون انسانی را شامل می گردد که به استقلال فکری و عملی و از میان برداشتن ناتوانیهای ساختاری مردم کمک می کند. به این ترتیب، منظور و هدف توسعه روستایی بسیار گسترده است (زیاری، ۱۳۸۰، ۶۲).

بانک جهانی توسعه روستایی را چنین تعریف می کند: توسعه روستایی، نوعی استراتژی است که برای بهبود زندگی اقتصادی - اجتماعی گروه مشخصی از مردم، یعنی روستاییان فقیر، طراحی می شود. این استراتژی در پی گسترش دادن منافع توسعه در بین فقیرترین افرادی که در نواحی روستایی به دنبال امرار معاش هستند انجام می پذیرد. از نظر بانک جهانی، فقرای روستایی شامل کشاورزان خرده پیا، اجاره نشین ها و خوش نشین ها می شود (لی و چودری، ۱۳۷۰، ۵۷).

توسعه روستایی ارتقای استانداردهای زندگی توده های کم درآمد ساکن در مناطق روستایی و خودافزا کردن فرایند توسعه آنان است (جمعه پور، ۱۳۸۵، ۵۸). توسعه روستایی را می توان یک فعالیت چندبخشی و مرکب دانست که برنامه های توسعه کشاورزی و بهبود تسهیلات اجتماعی برای تمام روستاییان را دربر می گیرد. توسعه روستایی جریانی است که مردم روستایی را هدایت می کند تا توان خود را جهت کنترل بر محیط خویش بالا ببرند. این جریان با توزیع بیشتر منافع بین مردم که خود نتیجه کنترل بر محیط است، هموار می شود. (حسینی، ۱۳۸۶، ۲۶۴).

نقش و جایگاه تعاونیهای روستایی در کشورهای در حال توسعه

بررسی جایگاه تعاونیها در جامعه روستایی در کشورهای جهان سوم و نوع عملکردی که می توان از آنها انتظار داشت و سیاستگذارانها و برنامه ریزی های عملی و کوتاه مدت که برای تحقق سیاستها و برنامه های مشخص شده در این زمینه در نظر گرفته می شود، مقوله ای است ویژه کشورهای جهان سوم. طبیعی است که بی توجهی به شرایط و ضروریات زمانی و مکانی، طرح توسعه تعاونیها را با مشکلات و نهایتاً با بن بست روبرو می سازد که امکان خروج از آن وجود ندارد. لذا بررسی مختصر در ویژگیهای جوامع روستایی در کشورهای جهان سوم و نقش و جایگاه تعاونیها در این جوامع ضروری است.

ساختار اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی در این کشورها غالباً خصلت سنتی خود را حفظ کرده است. به بیان دیگر سازماندهی تولید و نهادها و سازمانهای موجود و فعال در این بخش و مجموعه باورها، ارزشها و رفتارها و روابط اجتماعی افراد کمتر دچار دگرگونی و به ویژه تغییرات عمیق و ریشه دار شده است. در نتیجه تناسب و تجانس روشهای تولیدی با سازمانها و نهادها و ارزشها و اعتقادات محفوظ مانده است به طوری که در مواردی که روشهای سنتی، شکل غالب تولید بوده، نه تنها تعارضی میان شکل و ابعاد واحدهای تولیدی موجود و شیوه های موجود بهره برداری وجود نداشته بلکه به طور قطع از جوانب مختلف، مطلوبتر هم بوده است.

با توجه به خصوصیات کلی بخش کشاورزی، عاجلترین وظیفه سیاستگذاران و برنامه ریزان در قبال این وضعیت ایجاد تحول و دگرگونی عمیق در این بخش می باشد که محتوای این تحول به طور مختصر عبارت است از: اصلاح ساختار موجود، ایجاد نهادها و مؤسسات کارآمد و مورد نیاز، به وجود آوردن طرز تلقی و تفکر جدید در آحاد افراد جامعه روستایی و برانگیختن آنها برای برخورد نوین با مسائل. به این منظور لازم است به تدریج عناصر فرهنگی مقاوم در برابر دگرگونی حذف و وجوه تسریع کننده آن تقویت گردد و در عین حال مفاهیم و ارزشها و روشهای جدید و ناشناخته برای غالب جمعیت روستایی، ایجاد شود تا نهایتاً مورد پذیرش و استفاده آنها قرار گیرد و جزئی از فرهنگ آنها شود (انصاری، ۱۳۷۰، ۱۶).

بر پایه این دگرگونیها و همراه و هماهنگ با آنهاست که تأسیس نهادها و سازمانهای جدید، کاربرد ماشین آلات و ابزار و نهاده ها و روشهای جدید کشاورزی ممکن می شود و به تدریج جانشین نهادها، روشها و ابزار سنتی و ناکارآمد قدیمی می گردد. به این ترتیب بهره برداری بهتر و بیشتر از عوامل تولید و نهایتاً افزایش تولید محصولات میسر می گردد. مجموعه این اقدامات گریز ناپذیر برای کشورهای جهان سوم - که باید به صورت برنامه ریزی شده و با توجه به واقعیتهای عینی این جوامع صورت گیرد - چیزی نیست جز آنچه به "توسعه روستایی" تعبیر می گردد. کارکرد تعاونیها در بخش کشاورزی و جامعه روستایی کشورهای جهان سوم، دقیقاً در رابطه با این مسئله حیاتی، یعنی توسعه روستایی شکل می گیرد و اهمیت می یابد. توسعه روستایی، همان طور که از بیان بالا برمی آید، پدیده ای است چندوجهی و در عین حال پیچیده. شرکتهای تعاونی در صورتی که درست به کار گرفته شوند، به عنوان وسیله ای مناسب می توانند کمکهای ذی قیمتی به پیشبرد امر توسعه در بخش کشاورزی ارائه دهند. به عقیده وایکونت بهائی^۱، دانشمندی علم اقتصاد و کارشناس تعاونی، دلیل اصلی توجه به تعاونیها را باید در ارتباطی دانست که میان این شبه سازمان و تحول اجتماعی وجود دارد.

سودارسکی (Sudarsky, 1978) در یک جمعبندی اصولی و نسبتاً دقیق، به طور مشخص به سه عملکرد مهم تعاونیها در مقام ساز و کار نوسازی روستایی به شرح زیر اشاره می کند:

۱. کمک به ایجاد ابعاد مناسب برای فعالیتهای اقتصادی (واحدهای تولیدی یا غیرتولیدی)؛

۲. ایجاد ارتباط بین نواحی و گروههای منزوی و جداافتاده از سیاستها و برنامه های دولت و در حقیقت کمک به ادغام اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مناطق مختلف کشور و تأمین یک جامعه یکپارچه و به هم پیوسته؛

1. Vaikont Bahaie

۳. افزایش سطح آگاهی و دانش اعضا و کل جامعه از طریق مشارکت در فعالیتهای تعاونی.

یکی از موانع بزرگ کشورهای جهان سوم در راه توسعه روستایی، وجود مراکز و عوامل صاحب قدرت در این بخش است. این عناصر چه به صورت فردی (مثل زمین داران و عوامل محلی آنها، واسطه ها و نزول خواران و دیگران) و چه در شکل گروهی (جوامع کاستی و طبقاتی) - که در یک روند طولانی تاریخی و در قالب یک نظم اجتماعی و روابط تثبیت شده اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی و سیاسی خاص در رأس هرم قدرت جای گرفته اند، برای حفظ منافع عمدتاً نامشروع خود به صورت آگاهانه و با استفاده از وسایل متنوعی که در اختیار دارند، در مقابل هر گونه تغییر مقاومت می کنند و برای حفظ وضع موجود به شدت تلاش می نمایند. وظیفه بسیار مشکل و مهمی که از تعاونیها در این شرایط سخت انتظار می رود، شکستن این مانع و جانشین کردن قدرت قاطبه روستاییان، به جای یک اقلیت کوچک است که از نظر اقتصادی و در نتیجه، منزلت اجتماعی و سیاسی، جایگاه مسلطی را اشغال کرده است (انصاری، ۱۳۷۰، ۱۸).

نقش دیگر تعاونیها در کشورهای جهان سوم تأمین حضور و تضمین مشارکت مردم در امور جامعه و در مسائلی است که به طور مستقیم و گاه روزمره با آن در ارتباطند. اهمیت تقبل مسئولیت فوق به وسیله تعاونیها در نواحی روستایی به علت منفک بودن بیشتر مردم این مناطق در کشورهای در حال توسعه از مراکز و اهرمهای تصمیم گیری، به راحتی قابل درک و بسیار حیاتی می باشد. چنانچه تعاونیها بتوانند نقش خود را در مشارکت دادن مردم (سازمان مشارکتی) به خوبی انجام دهند و قدرت تصمیم گیری در جامعه روستایی در دست توده مردم قرار گیرد، می توانند مانع بزرگ دگرگونی، یعنی صاحبان قدرت و گروههای همسود را از مسیر توسعه کنار بزنند (هریسون، ۱۳۶۶، ۵۲). همچنین با این ابزار می توان عدم تمرکز در برنامه ریزی از پایین را در جامعه اعمال کرد. از آنجا که طرحهای توسعه روستایی (که براساس برنامه ریزی از بالا که در دهه هفتاد و قبل از آن تدوین و اجرا گشته اند) به علت عدم

دلبستگی و توجه مردم به این طرحها با عدم موفقیت روبه رو شده‌اند، ایده برنامه‌ریزی از پایین (یا برنامه‌ریزی مشارکتی یا محلی) شکل گرفت که انواع سازمانهای مشارکتی و عمدتاً تعاونیها را به عنوان نهادهای برنامه‌ریز و تصمیم‌گیرنده محلی توصیه کرده‌اند (مخبر، ۱۳۶۵).

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق، توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری محدود و نوع تحقیق کاربردی می‌باشد. مطالعات توصیفی به منظور شناخت و جمع‌آوری و نه رسیدن به نظریه انجام می‌گیرند و فرض یا فرضیه‌هایی در آغاز آنها ارائه نمی‌شود. این مطالعات با اینکه به نظریه ختم نمی‌شوند، ولی ممکن است زمینه‌ساز فرضیه‌هایی برای مطالعات بعدی باشند. در واقع هدف مطالعات توصیفی جمع‌آوری آمار و ارقام و اطلاعات در باره جامعه مورد مطالعه است (وثوقی و نیک خلق، ۱۳۸۰، ۱۲۲). از این رو جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی تعاونیهای روستایی فعال در سطح شهرستان مشهد می‌باشد. لذا تحقیق به دو صورت به بررسی این هدف پرداخته است: ابتدا جامعه آماری مدیران این تعاونیها بررسی و سپس نمونه‌ای تصادفی بر اساس ویژگیهای تعاونیها از میان اعضای آنها انتخاب شده است.

برای به دست آوردن نمونه‌ای کامل و جامع شرایط از اعضای جامعه روستایی با استفاده از روشهای آماری، ابتدا نمونه‌ای مقدماتی از جامعه انتخاب شد. چون در پرسشنامه عملکرد تعاونیهای روستایی از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت استفاده شد، برای کمی کردن متغیرها مقادیر ۱ تا ۵ تعریف گردید تا این مقیاس به مقیاس فاصله‌ای تبدیل شود و محاسبات آماری مختلف قابل انجام باشد. برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد:

$$n_0 = \frac{Z^2 S^2}{d^2}$$

$$n = \frac{n_0}{1 + \frac{n_0}{N}}$$

که در آن N حجم کل جامعه (اعضای تعاونیهای روستایی شهرستان) (۲۵۶۶۲)، $Z = 1/96$ ، S^2 واریانس صفت مورد بررسی (عملکرد) (۰/۴۴۷) و d کران خطا (۰/۱) است:

$$n_0 = \frac{(1.96)^2 (0.667)^2}{(0.1)^2} = 171$$

$$n = \frac{171}{1 + \frac{171}{25662}} \approx 170$$

بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد و دقت ۰/۱ درصد، انحراف معیار به صورت

تقریبی بر اساس طیف لیکرت برابر ۰/۶۶۷ و حجم نمونه برابر ۱۷۰ خواهد بود.

همچنین ۲۴ تعاونی که در حوزه مورد مطالعه قرار داشتند، بر اساس چند ویژگی

زیر دسته بندی شدند:

۱. دوری و یا نزدیکی به شهرها؛

۲. نوع محصولات از لحاظ باغداری، صیفی کاری یا زراعت؛

۳. بزرگی و کوچکی روستا؛

۴. نوع اقلیم از جهت دشتی یا کوهستانی بودن.

از هر دسته چند تعاونی به طور کاملاً تصادفی انتخاب شدند و سپس بر اساس تعداد اعضا، حجم نمونه در بین آنها تخصیص یافت. آنگاه حجم نمونه اختصاص یافته در هر تعاونی بر اساس جمعیت روستا و بر خوردار و غیر برخوردار بودن روستاها و همچنین نزدیکی و دوری روستا از دفتر شرکت تعاونی روستا در بین روستاهای تحت پوشش هر شرکت تعاونی تقسیم گردید و در نهایت نمونه مورد نظر انتخاب شد. در این پژوهش چندین متغیر مطالعه شدند که برای کسب اطلاعات در مورد این متغیرها از پرسشنامه های زیر استفاده شد:

۱. پرسشنامه توسعه: این پرسشنامه توسط مدیران تعاونیهای روستایی جامعه آماری

تکمیل گردید. در این پرسشنامه مشخصات فردی مدیران نظیر سن، مدرک تحصیلی، وضعیت

تأهل و سابقه مدیریت به همراه اطلاعاتی درباره تعاونی نظیر تعداد روستاهای تحت پوشش،

تعداد اعضای تعاونی، تعداد فروشگاههای مصرف و سوخت، تعداد کارکنان کارمزدی و حقوق بگیر، تعداد جایگاههای سوخت و ... پرسیده شد. این پرسشنامه بر اساس وضعیت و امکانات تعاونیهای روستایی شهرستان مشهد تهیه شد و سئوالات تا حد ممکن بر اساس واقعیتهای موجود تعاونیهای روستایی مطرح گردید. از این پرسشنامه در تعیین امکانات و مزایای تعاونی نیز استفاده شد.

۲. پرسشنامه عملکرد: این پرسشنامه توسط اعضای تعاونیهای روستایی حوزه شهرستان تکمیل گردید. در این پرسشنامه مشخصات پاسخگو از قبیل سن، میزان تحصیلات، تعداد افراد تحت تکفل، شغل اصلی، میزان اراضی زیر کشت، عمده محصولات تولیدی به همراه سئوالاتی در زمینه بررسی عملکرد تعاونی در زمینه شاخصهای اقتصادی و اجتماعی از قبیل عوامل مؤثر بر بازده تولید، اقدامات آموزشی، اقدامات مرتبط با بازاریابی و فروش، خدمات مرتبط با رفاه عمومی، خدمات مرتبط با آموزش و سواد، اقدامات بهداشتی، فعالیتهای مشارکتی و همچنین فعالیتهای مرتبط با منابع مالی و در آمدی پرسیده شده است. هر یک از سئوالات پرسشنامه عملکرد پنج گزینه داشته که بر اساس طیف پنج گزینه ای لیکرت (۱: خیلی کم، ۲: کم، ۳: متوسط، ۴: زیاد، ۵: خیلی زیاد) ارزشگذاری شده است. لذا برای امتیازدهی، مجموع امتیازات هر شاخص معرف نمره تعاونی در آن شاخص می باشد. جهت کمی سازی مطالب نیز از روش مقیاسی^۱ استفاده شده است.

در این پرسشنامه برای هر یک از شاخصها چند سؤال و جمعاً ۷۴ سؤال برای سنجش عملکرد تعاونیها طرح شده است.

در این تحقیق برای حصول دقت از ابزار تحقیق، ضریب اطمینان آلفای کرونباخ برای هر یک از رده سئوالات به تفکیک محاسبه شد (جدول ۱).

1. Scaling

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از رده سؤالات

ردیف	مؤلفه	ضریب آلفای کرونباخ	تعداد سؤال
۱	عوامل مؤثر بر بازده تولید	۰/۹۵	۲۷
۲	اقدامات آموزشی	۰/۸۴	۵
۳	شاخصهای بازاریابی و فروش	۰/۹۳	۶
۴	شاخصهای مالی و درآمدی	۰/۸۳	۹
۵	خدمات مرتبط با رفاه عمومی	۰/۹۳	۸
۶	شاخصهای مرتبط با آموزش و سواد	۰/۹۴	۶
۷	شاخصهای بهداشتی	۰/۸۹	۵
۸	شاخصهای رفاهی	۰/۸۹	۳
۹	شاخصهای مشارکتی	۰/۹۷	۵
۱۰	عملکرد	۰/۹۲	۷۴

مأخذ: یافته های تحقیق

با توجه به بالا بودن ضرایب فوق، پایایی پرسشنامه عملکرد مورد تأیید قرار می گیرد. روایی پرسشنامه ها نیز از طریق روایی منطقی به دو شکل ظاهری و محتوایی و مشورت با استادان راهنما و مشاوران و همچنین با چند تن از صاحب نظران و کارشناسان اداره تعاون روستایی شهرستان مشهد تأیید گردید.

نتایج و بحث

در این بخش ابتدا نتایج حاصل از پرسشنامه توسعه و سپس با استفاده از جداول آمار توصیفی، نتایج پرسشنامه عملکرد تعاونیها بررسی می شوند.

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می گردد، ۲۴ تعاونی مورد بررسی در حوزه شهرستان مشهد جمعاً ۴۵۵ روستا را در ۲۱۱ گروه تعاونی با ۲۵۶۶۲ عضو تحت پوشش قرار داده اند. بیشترین تعداد روستای تحت پوشش یک تعاونی ۵۵ روستا و کمترین تعداد روستای

تحت پوشش یک تعاونی ۳ روستا می باشد. همچنین بیشترین تعداد عضو ۱۹۰۰ نفر و کمترین تعداد عضو ۴۶۸ نفر می باشد. این تعاونیها ۵۳ فروشگاه مصرف و ۸۶ فروشگاه سوخت را اداره می کنند. کمترین تعداد فروشگاه مصرف یک و بیشترین تعداد چهار می باشد و میانگین تعداد فروشگاههای مصرف تعاونیها دو می باشد. سایر امکانات و وضعیت کلی تعاونیهای روستایی مشهد در جدول ۲ ملاحظه می شود.

جدول ۲. وضعیت و امکانات تعاونیهای روستایی شهرستان مشهد (سال ۱۳۸۷)

انحراف معیار	میانگین	مجموع	ماکزیمم	مینیمم	N	
۱/۱۷۹	۲/۲۱	۵۳	۴	۱	۲۴	تعداد فروشگاههای مصرف
۰/۶۴۷	۰/۶۳	۱۵	۲	۰	۲۴	تعداد فروشندگان حقوق بگیر
۳۹۸/۱۷۰	۱۰۶۹/۲۵	۲۵۶۶۲	۱۹۰۰	۴۶۸	۲۴	تعداد اعضای شرکت
۱۳/۵۹۵	۱۸/۹۶	۴۵۵	۵۵	۳	۲۴	تعداد روستاهای تحت پوشش
۳/۳۷۴	۳/۵۸	۸۶	۱۱	۰	۲۴	تعداد فروشگاههای سوخت
۳/۹۰۸	۳/۶۷	۸۸	۱۳	۰	۲۴	تعداد جایگاههای سوخت
۳/۳۶۲	۳/۴۶	۸۳	۱۱	۰	۲۴	تعداد فروشندگان سوخت
۴/۳۲۴	۴/۷۹	۱۱۵	۱۳	۰	۲۴	تعداد مخازن سوخت

مأخذ: اداره تعاون روستایی شهرستان مشهد

بررسی وضعیت سنی مدیران شرکتهای تعاونی نشان می دهد که ۴/۲ درصد مدیران بین ۲۵ تا ۳۰ سال، ۸/۳ درصد بین ۳۰ تا ۳۵ سال، ۲۰/۸ درصد بین ۳۵ تا ۴۰ سال، ۳۳/۳ درصد بین ۴۰ تا ۴۵ سال و ۳۳/۳ درصد بیش از ۴۵ سال سن دارند. این مسئله نشاندهنده جوان گرایی در انتخاب مدیران تعاونیها و قرار داشتن بیشتر مدیران در محدوده سنی ۳۵ تا ۴۵ سال است. گرایش به سوی مدیران جوان معلول پاره‌ای واقعیات جامعه روستایی و نیازهای تعاونیها به افراد مؤثر و کارآمد بوده است. همچنین بررسی وضعیت مدرک تحصیلی مدیران شرکتهای

تعاونی نیز مؤید این مطلب است که بیشترین فراوانی به محدوده تحصیلات متوسطه و دیپلم ارتباط داشته است. در این باره بیش از ۲۰/۸ درصد مدیران تحصیلات در حد ابتدایی، ۸/۳ درصد در حد راهنمایی، ۵۴/۲ درصد در حد متوسطه و ۱۶/۷ درصد در حد لیسانس تحصیلات داشته‌اند. نکته جالب توجه در این زمینه نبود مدیران بی سواد در جمع مدیران تعاونیهاست. البته این بالا بودن سطح تحصیلات نتیجه مستقیم جوان گرایی در بین مدیران می‌باشد. از سوی دیگر ۲۹/۲ درصد مدیران کمتر از ۵ سال، ۲۵ درصد بین ۵ تا ۱۰ سال، ۱۶/۷ درصد بین ۱۰ تا ۱۵ سال، ۲۰/۸ درصد بین ۱۵ تا ۲۰ سال و ۸/۳ درصد مدیران بیش از ۲۵ سال سابقه خدمت دارند. در نگاهی کلی به این مطلب متوجه خواهیم شد که مدیران با سابقه کمتر از ۱۰ سال نیمی از مدیران تعاونیها را تشکیل می‌دهند که این مطلب نیز تأیید کننده توجه خاص مردم به مدیران تازه کار و با انگیزه در اداره تعاونیهای روستایی است.

در پرسشنامه عملکرد که توسط اعضای تعاونیهای روستایی تکمیل شده است، برای ارزیابی میزان رضایت اعضا از عملکرد تعاونیهای روستایی ۹ شاخص مد نظر قرار گرفته است. این شاخصها بر اساس وظایف تعاونیهای روستایی در دو گروه اقتصادی (شامل عوامل مؤثر بر بازده تولید، اقدامات آموزشی، شاخصهای مرتبط با بازار یابی و فروش، شاخصهای مرتبط با منابع مالی و درآمدی و خدمات مرتبط با رفاه عمومی) و اجتماعی (شامل شاخصهای مرتبط با آموزش و سواد، شاخصهای بهداشتی، شاخصهای رفاهی و شاخصهای مشارکتی) دسته بندی شده‌اند.

۱. شاخصهای اقتصادی

۱.۱. عوامل مؤثر بر بازده تولید

در این گروه ۵ دسته خدمات مرتبط با افزایش تولید در نظر گرفته شده است. این خدمات شامل بذر، کود، سم، ماشین آلات کشاورزی و خدمات مرتبط با بهبود دام می‌باشد؛ لذا رضایت روستاییان از هر کدام از این موارد در ۵ محور (مقدار، قیمت، زمان تحویل،

کیفیت و تناسب با محصول) مورد ارزیابی قرار گرفت. از مجموع خدماتی که تعاونیها در زمینه افزایش بازده تولید به کشاورزان ارائه نموده اند، جدول ۳ حاصل می شود که حداکثر و حداقل امتیاز اکتسابی و نمره تعاونی از این خدمات قابل را نشان می دهد.

جدول ۳. مجموع امتیازات اکتسابی تعاونیها در زمینه بازده تولید

ردیف	نوع خدمت	حداقل امتیاز	حداکثر امتیاز	امتیاز کسب شده	درصد
۱	توزیع بذر	۸۵۰*	۴۲۵۰**	۲۳۰۳***	۹۳
۲	توزیع کود	۸۵۰	۴۲۵۰	۲۱۸۶	۵۱
۳	توزیع سم	۸۵۰	۴۲۵۰	۸۵۰	۲۰
۴	عرضه ماشین آلات	۸۵۰	۴۲۵۰	۸۵۰	۲۰
۵	بهبود و نگهداری دام	۸۵۰	۴۲۵۰	۸۵۰	۲۰
۶	مجموع	۳۸۸۸	۱۹۴۴۰	۷۰۳۹	۳۶

مأخذ: یافته های تحقیق

*: از آنجا که در طیف لیکرت حداقل امتیاز کسب شده برابر ۱ است بنابراین: $۱ \times ۵ \times ۷۰ = ۸۵۰$

** : از آنجا که در طیف لیکرت حداکثر امتیاز کسب شده برابر ۵ است بنابراین: $۵ \times ۵ \times ۱۷۰ = ۴۲۵۰$

***: از آنجا که در طیف لیکرت میانگین امتیاز کسب شده برابر $۲/۷$ است بنابراین: $۲/۷ \times ۵ \times ۱۷۰ = ۲۳۰۳$

همان طور که در جدول ۳ ملاحظه می شود، تعاونیها فقط در یک مورد و آن هم در توزیع بذر امتیاز قابل قبولی دریافت نموده و در سایر خدمات مرتبط با افزایش بازده تولید، نظیر توزیع سم و ماشین آلات و همچنین خدمات مرتبط با بهبود و نگهداری دام حداقل امتیاز را کسب نموده اند. این بدان معناست که تعاونیهای روستایی در افزایش بازده تولید مؤثر نبوده اند.

۲.۱. وظایف آموزشی

برپایه جدول ۴، در این بخش از میان ۱۷۰ پاسخگوفقط ۶۱ نفر معادل ۳۶ درصد پاسخگویان به این سؤال که "آیا تعاونی آموزشهای مرتبط با شغل را به شما داده است؟"

پاسخ بلی داده‌اند. ۶۱ پاسخگو معتقد بودند آموزشهای تعاونی به میزان خیلی کم موجب کاهش بیکاری گردیده است.

از طرف دیگر از میان ۱۷۰ پاسخگو فقط ۴۶ نفر معادل ۲۷ درصد پاسخگویان در دوره‌های آموزشی مرتبط با وظایف خود شرکت کرده‌اند (جدول ۴). براساس جدول ۸، حداکثر امتیاز در این بخش برابر ۵۷۸ و حداقل امتیاز برابر ۱۱۵ می باشد. با امتیاز دهی به پاسخها، امتیاز تعاونی در این بخش معادل ۲۱۲ به دست آمد که کمتر از حد متوسط است و لذا عملکرد تعاونیها در این باره نامطلوب بوده است.

جدول ۴. اقدامات آموزشی تعاونی

درصد	تأثیر در کاهش بیکاری	درصد	تأثیر در افزایش محصول	توزیع عملکرد
۰	۰	۰	۰	بسیار زیاد
۰	۰	۲۴/۶	۱۵	زیاد
۰	۰	۲۴/۶	۱۵	متوسط
۰	۰	۲۴/۶	۱۵	کم
۱۰۰	۶۱	۲۶/۲	۱۶	خیلی کم
۱۰۰	۶۱	۱۰۰	۶۱	جمع
۰	۱	-	۲/۴۸	میانگین پاسخها
۰	۰	-	۱/۱۳۴	انحراف معیار پاسخها

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۳.۱. خدمات مرتبط با بازاریابی و فروش

براساس جدول ۵، در این بخش ۴۶/۵ درصد پاسخ دهندگان به هیچ وجه از روش خرید تضمینی استفاده نکرده بودند، حدود ۷۳ درصد روستاییان ابراز داشتند که تعاونیها برای محصولات آنها اصلاً بازاریابی نکرده‌اند و فقط ۳۱ درصد ابراز داشتند که تعاونیها برای محصولات آنها به میزان زیاد بازاریابی کرده‌اند. در ضمن تمام پاسخگویان روش خرید

تضمینی را بهتر از روش خرید توافقی دانسته و بیش از ۹۰ درصد آنها معتقد بودند که این روش با نیاز تولید تطابق بیشتری دارد. همچنین در حوزه مورد مطالعه هیچ یک از تعاونیهای روستایی امکانات و صنایع تبدیلی مرتبط با محصولات کشاورزی نظیر کارگاههای بسته بندی، فراوری، جداسازی، تبدیل و ... را در اختیار نداشتند (جدول ۵). برپایه جدول ۸، حداکثر امتیاز در این بخش برابر ۸۵۰ و حداقل امتیاز برابر ۱۷۰ می باشد. با امتیاز دهی به پاسخها، امتیاز تعاونی در بخش بازاریابی و فروش برابر ۲۹۳ به دست آمد که این امتیاز پایین تر از حد متوسط است. لذا عملکرد تعاونیها در بخش بازاریابی و فروش محصولات بسیار کم و در حد غیر قابل قبولی بوده است.

جدول ۵. بازاریابی و فروش

درصد	تطابق با نیاز	درصد	بازاریابی محصولات	درصد	خرید تضمینی	توزیع عملکرد
۷۲/۹	۱۲۴	۰	۰	۲۶/۵	۴۵	خیلی زیاد
۱۷/۶	۳۰	۳۱	۳۱	۹/۴	۱۶	زیاد
۹/۴	۱۶	۸/۸	۱۵	۰	۰	تا حدودی
۰	۰	۰	۰	۱۷/۶	۳۰	کم
۰	۰	۷۲/۹	۱۲۴	۴۶/۵	۷۹	اصلاً
۱۰۰	۱۷۰	۱۰۰	۱۷۰	۱۰۰	۱۷۰	جمع
-	۴/۶۴	-	۱/۷۲	-	۲/۵۲	میانگین پاسخها
-	۰/۶۵۰	-	۱/۲۱۶	-	۱/۷۲۴	انحراف معیار پاسخها

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۴.۱. شاخصهای مرتبط با منابع مالی و درآمدی

برپایه جدول ۶، در این حوزه چند شاخص عمده از قبیل توان مالی و درآمدی و همچنین میزان بهره برداری اعضا مورد پرسش قرار گرفته است. در این حوزه هم به دلیل امکانات و اختیارات محدود تعاونیها، کارهای چندانی صورت نگرفته است. همان طور که

اشاره شد از مجموع ۱۷۰ پرسشنامه توزیع شده فقط تعداد ۷۸ نفر یعنی کمتر از نیمی از روستاییان از تعاونیها وام دریافت داشته اند و از این تعداد ۶۳ نفر بر سهولت دریافت وام تأکید کرده اند. از طرف دیگر بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان مقدار وام دریافتی را اصلاً متناسب با نیاز خود نمی دانستند. همچنین در زمینه نرخ بهره و سهولت باز پرداخت وام ۴۱ درصد در حد متوسطی از آن رضایت داشتند. در زمینه استفاده تعاونیها از منابع مالی موجود در جهت سرمایه گذاری و افزایش تولید به ترتیب ۱۸/۸ درصد و ۶۲ درصد پاسخگویان اعتقاد داشتند که تعاونیها اصلاً در این جهت فعالیت نکرده اند. همچنین در پاسخ به این سؤال که "آیا عضویت در تعاونی موجب بهبود وضع اقتصادی شما گردیده است؟" حدود ۴۶ درصد اصلاً موافق نبودند، بیش از ۳۵ درصد کمابیش موافق بودند و فقط ۱۹ درصد موافق بودند (جدول ۶). برپایه جدول ۸، حداکثر امتیاز تعاونی در جهت اعطای وام و سهولت باز پرداخت آن برابر ۱۵۶۰ و حداقل امتیاز برابر ۳۱۲ می باشد. با امتیاز دهی به پاسخها، امتیاز تعاونی در این بخش برابر ۷۹۳ به دست آمد که این امتیاز تقریباً برابر حد متوسط است. لذا عملکرد تعاونیها در بخش اعطای وام و سهولت باز پرداخت در حد متوسطی بوده است.

جدول ۶. منابع مالی و اقتصادی

عملکرد	توزیع	استفاده در جهت سرمایه گذاری	تناسب وام دریافتی با نیاز	سهولت باز پرداخت وام	رضایت از نرخ بهره	کمک وام به افزایش تولید	تأثیر تعاونی در وضع اقتصادی	رتبه
خیلی زیاد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
زیاد	۱۶	۹/۲	۰	۳۱	۲۱	۲۱	۳۱	۱۸/۸
تا حدودی	۱۵	۸/۸	۲۱	۲۲	۲۲	۲۱	۲۰	۱۷/۶
کم	۰	۰	۰	۱۵	۱۹	۱۵	۲۰	۱۷/۶
اصلاً	۱۲۹	۱۸/۸	۲۷	۶۰	۰	۰	۷۸	۴۵/۹
جمع	۱۷۰	۱۰۰	۷۸	۱۰۰	۷۸	۷۸	۱۷۰	۱۰۰
میانگین پاسخها	۱/۳۷	-	۱/۸۹	-	۲/۲۱	-	۲/۰۹	-
انحراف معیار پاسخها	۰/۲۸۴	-	۰/۹۸۵	-	۰/۷۲۵	-	۱/۲۴۳	-

مأخذ: یافته های تحقیق

۵.۱. خدمات مرتبط با رفاه عمومی

در این زمینه نظر پاسخگویان در مورد دو مسئولیت مهم تعاونیها یعنی تأثیر فروشگاههای مصرف و تأثیر فروشگاههای سوخت پرسیده شده است. براساس جدول ۷، در این حوزه ۶۳ درصد پاسخگویان از فروشگاههای مصرف برای تأمین نیازهای خود استفاده نموده و مابقی به ندرت و هرگز به این فروشگاهها مراجعه نموده اند. حدود ۴۶ درصد نیز معتقد بودند که این فروشگاهها به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای آنها نمی باشد. در مورد فروشگاههای سوخت بیشتر پاسخگویان معتقد بودند که عملکرد آنها در این زمینه خوب بوده است و این فروشگاهها با سوخت رسانی کافی و مناسب باعث سهولت کار آنها شده اند. همچنین در مورد تأثیر فروشگاههای مصرف و سوخت در کاهش رفت و آمد به شهر ۴۵/۳ درصد پاسخگویان معتقد بودند که این امکانات هرگز مانع خرید آنها از شهرها نشده است. در این باره ۲۷/۶ درصد به ندرت، ۱۷/۶ درصد گاهی اوقات و ۹/۴ درصد همیشه خریدهای خود را از آنها انجام داده و کمتر به شهر مراجعه کرده اند (جدول ۷). برپایه جدول ۸، حداکثر امتیاز در این بخش برابر ۲۸۶۰ و حداقل امتیاز برابر ۵۷۲ می باشد. با امتیاز دهی به پاسخها امتیاز تعاونی در بخش رفاه و آسایش برابر ۱۴۳۳ به دست آمد که این امتیاز در حد متوسط است. لذا عملکرد تعاونیها در این بخش در حد متوسطی بوده است.

جدول ۷. رفاه عمومی

نوع عملکرد	توزیع	استفاده برای تأمین نیازها	نیاز اولیه	نیاز اولیه	سوخت رسانی کافی و مناسب	سهولت کار	کاهش رفت و آمد به شهر
همیشه	۰	۰	۰	۰	۱۴	۵۱/۶	۱۶
بیشتر اوقات	۶۱	۳۵/۹	۱۵	۸/۸	۱۵	۲۸/۹	-
گاهی اوقات	۴۶	۲۷/۱	۴۱	۱۸/۲	۰	۰	۳۰
به ندرت	۴۷	۲۷/۶	۴۶	۲۷/۱	۰	۰	۲۷
هرگز وقت	۱۶	۹/۴	۷۸	۴۵/۹	۰	۰	۷۷
جمع	۱۷۰	۱۷۰	۱۷۰	۱۷۰	۳۱	۳۱	۱۷۰
میانگین پاسخها	۲/۸۹	-	۱/۹	-	۴/۵۱	-	۲/۰۱
انحراف معیار پاسخها	۱/۰۰۳	-	۰/۹۹۵	-	۰/۳۳	-	۱/۲۱۹

ماخذ: یافته های تحقیق

از مجموع خدماتی که تعاونیها در زمینه افزایش شاخصهای اقتصادی به روستاییان ارائه نموده اند، جدول ۸ حاصل می شود که حداکثر و حداقل امتیاز قابل اکتساب و نمره تعاونی از این خدمات را نشان می دهد.

جدول ۸. مجموع امتیازات اکتسابی تعاونی های در زمینه شاخص های اقتصادی

ردیف	نوع خدمت	حداقل امتیاز	حداکثر امتیاز	امتیاز کسب شده	درصد
۱	افزایش بازده تولید	۳۸۸۸	۱۹۴۴۰	۷۰۳۹	۳۶
۲	آموزش	۱۱۵	۵۷۸	۲۱۲	۳۷
۳	بازار یابی و فروش	۱۷۰	۸۵۰	۲۹۳	۳۴
۴	مالی و درآمدی	۳۱۲	۱۵۶۰	۷۹۳	۵۱
۵	افزایش رفاه عمومی	۵۷۲	۲۸۶۰	۱۴۳۳	۵۰
۶	مجموع	۵۰۵۷	۲۵۲۸۸	۹۷۷۰	۳۹

مأخذ: یافته های تحقیق

همان طور که در جدول ۸ ملاحظه می گردد، از ۵ شاخصی که به عنوان عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی در تعاونیها مد نظر قرار گرفته بودند فقط در ۲ شاخص رفاه و درآمد امتیاز کسب شده توسط تعاونیها در حد متوسطی بوده (نه قابل قبول) و از این رو می توان گفت در زمینه افزایش شاخصهای اقتصادی، تعاونیها خدمات قابل قبولی به اعضا ارائه نداده اند.

۲. عوامل اجتماعی

۱.۲. شاخصهای مرتبط با آموزش و سواد

در این بخش، از پاسخگویان خواسته شد فعالیتهای تعاونی را در زمینه کمک به ادامه و افزایش تحصیل اعضا و خانواده شان، کمک در جهت افزایش رشد و اعتلای فرهنگ روستاییان و همچنین در اختیار قرار دادن کتب، مجلات و نشریات تشریح نمایند. در این حوزه تعاونیها هیچ گونه فعالیتی انجام نداده بودند و اکثر پاسخگویان هیچ کدام از سئوالات پرسشنامه را در این حوزه پاسخ نداده اند و لذا امتیاز تعاونی در این قسمت حداقل به دست آمد.

۲.۲. شاخصهای بهداشتی

در این بخش، از پاسخگویان خواسته شد نظرشان را در مورد تأثیر تعاونی در افزایش رعایت بهداشت عمومی، جلوگیری از شیوع و ابتلا به بیماریها، میزان مراقبتهای بهداشتی و درمان بیماریها و همچنین تغذیه مناسب در جهت افزایش بهداشت عمومی و کاهش بیماریها بیان کنند. در این بخش نیز مشابه حوزه قبلی هیچ کدام از تعاونیهای مورد مطالعه اقدام مؤثر و قابل قبولی انجام نداده بودند و لذا امتیاز تعاونی در این قسمت هم حداقل به دست آمد.

۳.۲. شاخصهای رفاهی و سرگرمی

در این حوزه نیز تعاونیها فعالیت چندانی انجام نداده‌اند و نتایج تحلیل حاکی است که هیچ کدام از تعاونیهای مورد مطالعه امکانات رفاهی و سرگرمی نظیر سالنهای ورزشی، کتابخانه، باشگاه، مجموعه های سرگرمی و غیره را در اختیار ندارند و در این زمینه هانه فعالیتت صورت گرفته و نه روستاییان رضایتی از آن داشته‌اند و لذا امتیاز تعاونی در این قسمت نیز حداقل به دست آمد.

۴.۲. شاخصهای مشارکتی

تنها در این بخش تعاونیها فعالیتهایی داشتند و لذا ۵ شاخص به عنوان شاخصهای مشارکتی پیش‌بینی شدند. این شاخصها عبارتند از: میزان آشنایی با قوانین و مقررات تعاونیها، میزان مشارکت در مجامع عمومی و جلسات، میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، میزان تأثیر در اداره شرکت و میزان ارتباط با مسئولان و مدیران تعاونیها. در زمینه شاخصهای مشارکتی بیشترین فراوانی مربوط به ارتباط با مسئولان و مدیران تعاونیهاست به گونه‌ای که حدود ۷۳ درصد از پاسخگویان ارتباط مداوم و زیادی با تعاونی داشته‌اند که البته دلیل اصلی آن سرکشی و اطلاع از وضع نهاده های کشاورزی بوده است. بیش از حدود ۷۳ درصد پاسخگویان نقش خود را در اداره شرکت کم و خیلی کم دانسته‌اند. میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها هم نرخ پایینی داشته است. درصد کمی از پاسخگویان در مجامع شرکت می‌کنند و در حد متوسطی با قوانین شرکتیهای تعاونی آشنا بوده‌اند (جدول ۹). براساس جدول ۱۰، حداکثر امتیاز در این بخش برابر ۴۲۵۰ و حداقل امتیاز برابر ۸۵۰ می‌باشد. با امتیازدهی به پاسخها، امتیاز تعاونی در

بخش شاخصهای مشارکتی برابر ۲۲۵۸ به دست آمد که این امتیاز در حد متوسط است. لذا عملکرد تعاونیها در این بخش در حد متوسطی بوده است.

جدول ۹. شاخصهای مشارکتی

توزیع عملکرد	آشنایی با قوانین تعاونیها	شرکت در مجامع	شرکت در تصمیم گیریها	تأثیر در اداره شرکت	ارتباط با مسئولان
بسیار زیاد	۰	۱۶	۹/۴	۱۶	۳۷/۱
زیاد	۶۲	۴۶	۱۷/۶	۰	۱۸/۴
متوسط	۳۰	۰	۲۶/۵	۴۱	۱۷/۶
کم	۴۶	۶۱	۳۵/۹	۱۸/۸	۹/۴
خیلی کم	۴۲	۴۷	۱۷/۶	۹۳	۱۷/۶
مجموع	۱۷۰	۱۷۰	۱۷۰	۱۷۰	۱۷۰
میانگین پاسخها	۲/۷۲	۲/۵۵	۲/۴۲	۱/۹۲	۲/۴۸
انحراف معیار پاسخها	۱/۱۲۷	۱/۳۸۵	۱/۳۱۰	۱/۲۵۷	۱/۵۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان طور که در جدول ۱۰ ملاحظه می‌گردد، از ۴ شاخصی که به عنوان عوامل مؤثر بر توسعه اجتماعی در تعاونیها مد نظر بودند فقط در یک شاخص یعنی افزایش مشارکت، امتیاز کسب شده و آن هم در حد متوسطی بوده است. از این رو می‌توان گفت در زمینه افزایش شاخصهای اجتماعی، تعاونیها خدمات قابل قبولی به اعضا ارائه نداده اند و عملاً موجب توسعه اجتماعی نگشته‌اند.

جدول ۱۰. مجموع امتیازات اکتسابی تعاونیهای در زمینه شاخصهای اجتماعی

ردیف	نوع خدمت	حداقل امتیاز	حداکثر امتیاز	امتیاز کسب شده	درصد
۱	افزایش آموزش و سواد	۱۷۰	۸۵۰	۱۷۰	۲۰
۲	افزایش بهداشت	۱۷۰	۸۵۰	۱۷۰	۲۰
۳	رفاه و سرگرمی	۱۷۰	۸۵۰	۱۷۰	۲۰
۴	افزایش مشارکت	۸۵۰	۴۲۵۰	۲۲۵۸	۵۳
۵	مجموع	۱۳۶۰	۶۸۰۰	۲۷۶۸	۲۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در مجموع با نگاهی کلی به عملکرد تعاونیها در زمینه شاخصهای اقتصادی-اجتماعی (جدول ۱۱) متوجه می شویم که این نهادها با وجود قدمت چندین ساله هنوز با اهداف فاصله بسیار داشته و نتوانسته اند خدمات مطلوب و قابل قبولی به اعضای خود ارائه دهند. امتیازات این بخش در جدول ۱۱ ملاحظه می شود.

جدول ۱۱. مجموع امتیازات اکتسابی تعاونیهای در زمینه شاخصهای اقتصادی-اجتماعی

ردیف	نوع شاخص	حداقل امتیاز	حداکثر امتیاز	امتیاز کسب شده	درصد
۱	شاخصهای اقتصادی	۵۰۵۷	۲۵۲۸۸	۹۷۷۰	۳۹
۲	شاخصهای اجتماعی	۱۳۶۰	۶۸۰۰	۲۷۶۸	۲۸
۳	مجموع	۶۴۱۷	۳۲۰۸۸	۱۲۵۳۸	۳۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان طور که از جدول ۱۱ مشاهده می شود، امتیاز کل خدمات ارائه شده توسط تعاونیها پایینتر از حد متوسط (۳۴ درصد) و اندک و غیرقابل قبول بوده است.

نتیجه گیری و پیشنهاد

یافته‌های مربوط به سن مدیران تعاونیها نشان می دهد که شرکتهای تعاونی روستایی از مدیریت جوانی برخوردارند به طوری که میانگین سنی مدیران کمتر از ۴۰ سال می باشد. این مسئله قدرت تحرک و ریسک پذیری را افزایش داده و با کمک دیگر عوامل مرتبط با سن نظیر افزایش میزان تحصیلات، گسترش ارتباطات، فراگیری بیشتر و همچنین مشغله کمتر می تواند در موفقیت تعاونیها مؤثر واقع شود.

یافته‌های مربوط به مدرک تحصیلی مدیران نیز نشاندهنده این است که استفاده از نیروهای تحصیل کرده دانشگاهی و به خصوص با مدرک تحصیلی لیسانس، با درصد خوبی در این شرکتهای رو به رشد بوده است که با اهداف شرکتهای تعاونی روستایی یعنی به کارگیری نیروهای تحصیل کرده با دانش فنی بالا، هماهنگی دارد. از طرف دیگر جوان گرایی به همراه استفاده از مدیران با تحصیلات بالا موجب می شود که پتانسیلهای لازم در جهت رشد و بالندگی تعاونی فراهم گردد.

نتایج مربوط به سابقه کار مدیران عامل نشان می‌دهد که بیشتر آنها دارای سابقه کار کمتر از ۵ سال می‌باشند. این یافته مؤید یافته‌های قبلی در مورد جوان بودن این مدیران می‌باشد. البته در این باره باید به این نکته هم اشاره کرد که صرف کم سابقه بودن دلیل خوبی برای مؤثر بودن مدیر نمی‌باشد بلکه ممکن است این مسئله موجب کم تجربگی و کاهش ارتباطات اجتماعی در حوزه فعالیت شود.

نتایج مربوط به عملکرد اقتصادی و اجتماعی تعاونیهای روستایی نشان می‌دهد در کل، عملکرد تعاونیهای روستایی در زمینه شاخصهای مورد اشاره قابل قبول و مطلوب نبوده و رضایت اعضا از این عملکرد پایین بوده است. بنابراین، با بهبود عملکرد تعاونیها در شاخصهایی که به آن اشاره شد، بستر توسعه اقتصادی و اجتماعی فراهم می‌گردد.

بر اساس نتایج این مطالعه، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. در زمینه چشم انداز و دورنمای تعاونیهای روستایی به نظر می‌رسد آن طور که باید برنامه ریزی انجام نشده است، به طوری که تاکنون نزدیک به پنج دهه از زمان ایجاد اولین تعاونیهای روستایی می‌گذرد، ولی هنوز به زعم بسیاری از صاحب نظران و کارشناسان مسائل روستایی به توفیق چندانی دست نیافته ایم. البته در مقاطعی بعضی از تعاونیهای روستایی به فراخور شرایط جامعه خود، در زمینه های مختلفی رشد و ترقی داشته‌اند، ولی این امر اصلاً قابل تعمیم به کل جامعه روستایی و حداقل جامعه مورد بررسی این تحقیق نبوده است. لذا در این زمینه تدوین یک برنامه دقیق، جامع، اصولی و واقع بینانه، منطبق با واقعیتهای حال و آینده جامعه روستایی ضروری به نظر می‌رسد. در این زمینه دو برنامه پیشنهاد می‌شود: اول برنامه‌ای میان مدت که نیازهای روزمره و اولیه جامعه روستایی را مرتفع کند و همه روستاییان را سوای از عضو بودن یا نبودن در تعاونیهای روستایی دربر بگیرد. این نیازها از تأمین زمین برای کشت و زرع، سرمایه و نهاده‌های کشاورزی گرفته تا تأمین مسکن و نیازهای جسمی باید جامع و کامل باشد. در این راستا ایجاد و گسترش مراکز توزیع نهاده‌های کشاورزی، سوخت، کالای مصرفی خانوار و ... به عنوان یک هدف میان مدت می‌تواند زمینه کاهش مهاجرت و رفت و آمد به شهرها، کاهش مشاغل غیر ضروری و غیر مولد و رفع بسیاری دیگر از معضلات دیگر

را فراهم نماید. دوم برنامه‌ای بلند مدت در جهت توسعه و رشد تعاونیها در آینده. این برنامه باید به روستاییان به عنوان شریکی قابل اعتماد توجه داشته باشد، زیرا با مساعی و مشارکت روستاییان در برنامه‌های تعاونیهاست که این برنامه‌ها با موفقیت مواجه خواهند شد. لذا در این راستا سرمایه‌گذاری در امور مادی و معنوی توسط تعاونیها پیشنهاد می‌شود. مثلاً سرمایه‌گذاری در آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد در مناطق روستایی، سرمایه‌گذاری در امور سودده و پر درآمد برای ایجاد منابع مالی جهت تأمین هزینه‌های طرحهای تعاونیها و مواردی از این دست به تعاونی در جهت برنامه‌ریزی بلند مدت کمک خواهند کرد.

۲. از مشکلات عمده تعاونیها که در حین انجام تحقیق نیز مشهود بود، کمبود نقدینگی و منابع مالی کافی و مطمئن جهت انجام امور محوله بوده است. سازمان تعاون روستایی به عنوان متولی امور تعاونیهای روستایی چنان که باید بودجه و منابع کافی برای کمک به تعاونیها در اختیار ندارد و بودجه‌های اندکی هم که هر چند سال یک بار در اختیار تعاونیها قرار می‌دهد، قدرت حل مشکلات مالی آنها را ندارد و لذا پیشنهاد می‌شود بودجه‌هایی که به صورت کلی در اختیار سازمان تعاونی روستایی قرار می‌گیرد، به صورت یکجا در امور زیربنایی سرمایه‌گذاری شود و از سود آن، تعاونیها منتفع شوند. مثلاً ایجاد یک واحد تبدیلی توسط دولت علاوه بر اینکه سود مادی برای تعاونیهای روستایی دارد، موجب خواهد شد در فرایند تولید یک محصول، هزینه‌نهایی آن کاهش یابد. از روشهای دیگر تجمع سرمایه، ایجاد بانک تعاون روستایی و یا مؤسسات قرض الحسنه است تا از طریق آنها سرمایه‌های اندک روستاییان پس انداز و سرمایه‌گذاری شود. در این راستا چند روش پیشنهاد می‌شود: اول تشویق روستاییان به پس انداز و سرمایه‌گذاری تا از طریق آن هم به یک منبع مالی مطمئن جهت فعالیتهای خود در آینده دسترسی داشته باشند و هم به یک سود متعارف و مطمئن برسند. دوم تشویق و دعوت روستاییان به عضویت در تعاونیها و افزایش سهم آورده مردم در فرایند مشارکت تا این سرمایه‌ها در بانک متمرکز شود و توان تعاونی را جهت فرایندهای

تصمیم‌گیری افزایش دهد. سوم افزایش سهم اعضا در تعاونیها به صورت واریز وجه مشخصی به صورت دوره‌ای یا در پایان هر فصل و یا سال زراعی تا در همان حساب ذخیره و قابل برداشت باشد.

۳. از دیگر مشکلاتی که تعاونیها دچار آن هستند و از قدرت مانور و ریسکشان می‌کاهد، نبود نیروی متخصص و کارآمد برای هدایت تعاونیهاست. در میان ۲۴ تعاونی که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفتند تنها ۴ مدیر دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. اکثر مدیران در تعاونیهای مورد مطالعه دارای تحصیلات ابتدایی و متوسطه بودند. اگر چه تحصیلات دانشگاهی صرفاً دلیل موفق بودن یک مدیر نیست اما سبب درک بهتر مسائل و تجزیه و تحلیل بهتر آنها می‌شود. لذا پیشنهاد می‌گردد با ایجاد مراکز آموزشی مرتبط با مسائل روستایی، نظیر دانشگاهها و یا مراکز آموزشی و یا افزودن رشته‌های تعاون روستایی و آموزش تعاون به رشته‌های مصوب در دانشگاهها، به توسعه این امر کمک کرد.

۴. ایجاد محدودیت در چارچوب وظایف توسط سازمان تعاون شهرستان سبب کاهش بازده تعاونیهای روستایی شده و آنها را در انجام وظایف خود با مشکل روبه‌رو ساخته است. در این راستا پیشنهاد می‌شود علاوه بر اقدامات نظارتی، بستری فراهم شود که تعاونیها با قدرت عمل کنند و بتوانند خودشان تصمیم‌گیرنده باشند. این مسئله هم قدرت ریسک‌پذیری تعاونیها را می‌افزاید و هم بازخورد فعالیتهاشان را به خوبی به آنها نشان می‌دهد.

۵. تجربه کشورهای موفق دنیا در زمینه تعاونیها کمک خواهد کرد تا مدیران و برنامه‌ریزان با فضای جدیدی رو به رو شوند. در این زمینه در ایران نیز بسیاری از تعاونیها در زمینه‌های مختلف به توفیقاتی دست یافته‌اند که هر ساله در سطح کشور به عنوان نمونه و برتر معرفی می‌شوند. مطالعه و بررسی نحوه عملکرد این قبیل تعاونیها برای دیگر تعاونیهای فعال در سطح کشور مفید خواهد بود. لذا پیشنهاد می‌شود با معرفی تعاونیهای برتر در زمینه‌های مختلف از جمله مدیریت کارآمد، بازده مطلوب تولید، کاهش ضایعات، مشارکت‌پذیری بالا، میزان سودآوری زیاد و ... به سایر تعاونیها و معرفی دلیل برتری، دیگر تعاونیها را تشویق به رشد و بهبود عملکرد نمود.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات.
۲. انصاری، حمید (۱۳۷۰)، ارزشیابی تعاونی‌های روستایی، سازمان مرکزی تعاون روستایی کشور، معاونت طرح و برنامه وزارت کشاورزی.
۳. جمعه پور، محمود (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی، چاپ دوم، انتشارات سمت، تهران.
۴. حسینی، باقر (۱۳۸۶)، تکنولوژی رشد، توسعه و رفاه اجتماعی، مجله تازه‌های اقتصادی، شماره ۶۱.
۵. زیاری، کرامت‌الله (۱۳۸۰)، اصول و روشهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه یزد.
۶. سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۸۲)، اقتصاد توسعه، انتشارات موحد، تهران.
۷. کشوری، بهمن (۱۳۸۰)، تاریخچه شرکتهای تعاونی مصرف در ایران، نشریه ۳۳، تهران.
۸. لی، دیوید، ای ام و پی چودری (۱۳۷۰)، ماهیت مسائل و رهیافتهای توسعه روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد سازندگی.
۹. مخبر، عباس (۱۳۶۵)، برنامه‌ریزی در سطح علمی و توسعه روستایی، راهبردهای جایگزین، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.
۱۰. هریسون، پل (۱۳۶۶)، فردای جهان سوم، ترجمه محمود طلوع، شرکت صادراتی سازمان صنایع ملی، چاپ اول، تهران.
۱۱. وثوقی، منصور و علی اکبر نیک خلق (۱۳۸۰)، مبانی جامعه‌شناسی، انتشارات بهینه، تهران.
12. John Sudarsky (1978), Rural Cooperatives, Neo Patrimonial Regimes and Interventions, *Journal of Rural Cooperation*, No 2, P. 133.